

چشم‌انداز مناسبات نظامی - امنیتی عراق و آمریکا

تاریخ ارائه: ۱۳۸۷/۷/۲۸

تاریخ تایید: ۱۳۸۸/۹/۱۶

محمود یزدان‌فام*

چکیده

روابط آمریکا و عراق در دوره حکومت صدام مناسب نبود و با حمله عراق به کویت دوره پرتنش را آغاز کرد که به حمله نظامی و سرنگونی رژیم بعثی منجر شد. از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۹، عراق تحت اشغال آمریکا و نیروهای متحدین قرار داشت. با امضای قرارداد امنیتی بین بغداد - واشنگتن، این وضعیت پایان یافت و مناسبات آنها بر اساس وجود دو دولت بنیان نهاده شد. در عین حال، در عمل، مناسبات عملی نظامی-امنیتی عراق و آمریکا بر پایه وضعیت سیاسی و امنیتی عراق، سیاست‌های آمریکا به ویژه دولت اوباما در برابر عراق و منطقه، و روابط جمهوری اسلامی ایران با آمریکا تعیین می‌شود. این مقاله، با توجه به این سه مؤلفه، چشم‌انداز مناسبات نظامی-امنیتی عراق و آمریکا را تبیین می‌کند.

کلیدواژه‌ها: عراق، سیاست خارجی آمریکا، سیاست منطقه‌ای اوباما، روابط ایران و آمریکا، قرارداد امنیتی عراق و آمریکا

*کاندیدای دکتری روابط بین‌الملل از دانشگاه تهران.

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال سیزدهم • شماره اول • بهار ۱۳۸۹ • شماره مسلسل ۴۷

مقدمه

در دوره جنگ سرد، عراق با تفکر بعثی - سوسیالیستی، یکی از معدود متحدین شوروی در منطقه حساس خاورمیانه بود. در طول دهه ۱۹۸۰، روابط بغداد - واشنگتن بهبود یافت و به موقعیت بسیار خوب رسید. در عین حال، حمله عراق به کویت و آغاز جنگ آمریکا با این کشور در سال ۱۹۹۱ آن را در خصومت و دشمنی کامل با آمریکا قرار داد و در نهایت پس از حملات ۱۱ سپتامبر آمریکا تصمیم گرفت حکومت صدام را سرنگون سازد. آمریکا به بهانه جنگ علیه تروریسم و با استناد به برخی قطعنامه‌های شورای امنیت، پس از یک دهه تحریم، حمله نظامی گسترده‌ای را علیه رژیم صدام تدارک دید و در نهایت، در سال ۲۰۰۳ این کشور را به تسخیر خود درآورد و حکومت صدام را سرنگون کرد. از آن تاریخ تا کنون، آمریکا به دولت‌سازی و جنگ علیه نیروهای مخالف و شورشی در عراق مشغول است. در پایان سال ۲۰۰۸، آمریکا با امضای موافقتنامه سیاسی - امنیتی با دولت عراق، مبنای تداوم حضور نیروهای خود در عراق را از چهارچوب قطعنامه‌های شورای امنیت به توافق دوجانبه تبدیل کرد.

حمله نظامی آمریکا به عراق و روی کار آمدن دولت جدید در این کشور پیامدهای بزرگی برای مناسبات دو کشور عراق و آمریکا و موقعیت منطقه‌ای آمریکا داشت. آمریکا نه تنها عراق را به یکی از متحدین منطقه‌ای خود تبدیل کرده، بلکه موازنه منطقه‌ای را بر هم زده و شرایط جدیدی در این منطقه بوجود آورده است. در حال حاضر (ژوئن ۲۰۱۰)، حدود ۸۴ هزار نیروی نظامی آمریکا در عراق حضور دارند و آمریکا پایگاه‌های نظامی متعددی در این کشور ایجاد کرده و به طور کلی نفوذ بزرگی در عراق به دست آورده است. در عین حال، حضور نظامی آمریکا در عراق و روابط امنیتی بغداد - واشنگتن بدون چالش نیست. چالش‌های زیادی در داخل دو کشور و سطح منطقه‌ای و بین‌المللی برای این روابط وجود دارد. حال، پرسش اساسی این است که برای روابط نظامی - امنیتی عراق و آمریکا در آینده چه چشم‌اندازی قابل تصور است؟ آیا سیاست گذشته آمریکا در منطقه و عراق در دوره اوباما تداوم خواهد یافت یا دچار دگرگونی خواهد شد؟ در صورت دگرگونی، این تحول در چه سطح و حوزه‌ای خواهد بود؟ آیا آنگونه که می‌گویند، سیاست اوباما در عراق همان سیاست

بوش در این کشور خواهد بود و همانند وزیر دفاع، سیاست نظامی - امنیتی آن نیز تغییر نخواهد کرد؟

برای پاسخ به این پرسش، لازم است ابتدا روند تحولات نظامی - امنیتی عراق در چند سال گذشته به اختصار مورد بررسی قرار گیرد و وضعیت کنونی روابط این دو کشور، در ابعاد گوناگون، به نحو مقتضی تشریح شود. پس از آن، نگاهی به خطوط کلی سیاست خارجی و امنیتی دولت جدید آمریکا در جهان و عراق انداخته می‌شود تا نشان داده شود که این سیاست با سیاست خارجی این کشور در دوره بوش چه تفاوت‌ها و مشابهت‌هایی دارد. تفاوت در چه حوزه‌ای و در چه سطحی است و این تغییرات چقدر ممکن است تداوم داشته باشد و در چه شرایطی ممکن است بار دیگر شاهد تغییر در سیاست خارجی و امنیتی آمریکا در قبال عراق باشیم.

الف. نگاهی به گذشته روابط دو کشور

روابط عراق و آمریکا، فراز و فرودهای زیادی داشته است. عراق در دوره پس از جنگ جهانی دوم جزء گروه کشورهای متحد غرب محسوب می‌شد. پیمان بغداد در سال ۱۹۵۵، با شرکت کشورهای ایران، عراق، ترکیه، پاکستان، و بریتانیا به امضاء رسید و آنها را در مجموعه اتحادیه‌ای قرار داد که آمریکا برای اجرای سیاست سد نفوذ و جلوگیری از خطر گسترش شوروی در اطراف این بلوک ایجاد کرده بود (See Dodge, 2003).

در دهه ۱۹۸۰ به دلیل بروز انقلاب اسلامی در ایران، وقوع و تداوم جنگ ایران و عراق روابط بغداد واشنگتن رو به بهبودی گذاشت، اما حمله عراق به کویت و اخراج آن از سوی آمریکا از یک سو و فروپاشی شوروی و پایان رقابت منطقه‌ای دو ابرقدرت، موجب ایجاد ابزارهای کنترلی بین‌المللی برای مهار و محدودسازی عراق از سوی آمریکا شد. در دهه ۱۹۹۰ عراق زیر تحریم‌های بین‌المللی و فشارهای نظامی آمریکا بود. تنش در روابط عراق و آمریکا با روی کارآمدن دولت بوش و وقوع حملات ۱۱ سپتامبر، به شدت افزایش یافت و به بروز جنگ دوم خلیج فارس و سرنگونی دولت صدام در عراق و بروز جنگ چریکی و قومی در این کشور انجامید که تا کنون ادامه یافته است.

ب. حمله آمریکا به عراق و پیامدهای نظامی - امنیتی آن

جنگ آمریکا در عراق به شکل کلاسیک، سه هفته طول کشید. با سقوط بغداد و فرار صدام و پسرانش، رژیم صدام از بین رفت، ولی برخلاف باور و برداشت اولیه آمریکائیان، این پیروزی ظاهری بود. آنها در عراق وارد جنگی فرسایشی با نیروهای باقیمانده حزب بعث و گروه‌های سنی شدند که به تدریج بر شدت و دامنه آن افزوده شد. نیروهای سنی داوطلب که اغلب با القاعده در ارتباط بودند، از کشورهای دیگر وارد عراق شدند. حملات آنها علیه شیعیان عراق به جنگ قومی در این کشور دامن زد و وضعیت آن را بیش از پیش پیچیده‌تر ساخت (See Davis, 2006). این جنگ سال به سال شدیدتر شد و روند صعودی تلفات آن تا سال ۲۰۰۷ ادامه داشت.

بعد از سقوط دولت صدام، آمریکا عملاً برای چند سال حاکم این کشور بود و عراق کشوری تحت اشغال به حساب می‌آمد. آنها حاکمی نظامی برای این کشور تعیین کردند، اما وضعیت عراق هر روز بدتر شد، خشونت‌ها افزایش یافت و نفرت از آمریکا فزونی گرفت. آمریکا برای جلوگیری از این وضعیت تلاش کرد با برگزاری انتخابات و انتقال قدرت به عراقی‌ها از میزان خشونت‌ها بکاهد (Baker & Hamilton, 2006). انتخابات مجلس ملی عراق در ۳۰ ژانویه ۲۰۰۵ در سراسر این کشور برگزار شد. اغلب گروه‌های سنی آن را بایکوت کردند. اتحاد شیعیان ۱۴۰ کرسی مجلس را به دست آورد و کردها به ۷۵ کرسی دست یافتند. نخست وزیر عراق به شیعیان، مقام ریاست جمهوری به کردها و ریاست مجلس به گروه سنی‌ها رسید (Katzman, 2005: 5).
با وجود اینکه با برگزاری انتخابات و تصویب قانون اساسی عراق، دولت‌سازی در این کشور رشد قابل توجهی یافت، اما خشونت‌ها همچنان تا نوامبر ۲۰۰۷ ادامه پیدا کرد. سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) در سال ۲۰۰۶ نتیجه‌گیری کرد که مداخله آمریکا در عراق تروریسم و تندروهای اسلامی را در این کشور تقویت کرده است (Michels, 2006). آمریکا برای مقابله با چالش‌های عراق که هزینه سنگینی را بر دوش این کشور تحمیل می‌کرد و با افزایش تلفات نیروهای آمریکایی سروصدای مردم این کشور بلند شده بود، مجبور شد راهبرد

نظامی - امنیتی خود را در عراق مورد بازبینی قرار دهد و بر اساس گزارش دوحزبی بیکر- همیلتون، شیوه دیگری را در پیش گیرد.

در راهبرد جدید، آمریکا برای مقابله با تهدیدات، به دنبال افزایش نیروهای آمریکایی در عراق، افزایش و تقویت توان نیروهای عراقی در برقراری ثبات و آرامش، افزایش مشارکت نیروهای سنی در قدرت، فشار بر ایران و سوریه برای کاهش حمایت از گروه‌ها و جلوگیری از ورود نیروهای خارجی به عراق و تلاش برای مذاکره با کشورهای همسایه عراق، بود (Baker & Hamilton, 2006: 25).

با افزایش نیروهای آمریکایی در عراق، فشار بر گروه‌های ستیزه‌جو افزایش یافت و تلاش آمریکا برای فراهم‌آوردن بستر مناسب به منظور مشارکت اقوام و قبایل عراقی در حکومت و روند سیاسی این کشور و بالاخره، مذاکره با ایران و سوریه برای کاهش حمایت از گروه‌های رقیب در داخل عراق به نتیجه رسید و خشونت‌ها سیر نزولی خود را آغاز کرد. بر اساس گزارش دولت عراق و نیروهای متحدین، از سپتامبر ۲۰۰۷ حملات به غیرنظامیان در عراق کاهش شدیدی یافت. تعداد کشته‌های آنها از ۳۵۰۰ نفر در دسامبر ۲۰۰۶ و ۲۰۰۰ نفر در اوت ۲۰۰۷ به کمتر از ۱۴۰۰ نفر در سپتامبر ۲۰۰۷ کاهش یافت و این روند در ماه‌های بعد به کمتر از هزار نفر و در ژوئن ۲۰۰۸ به زیر ۵۰۰ نفر رسید و مهمتر اینکه، این کاهش تا پایان سال ۲۰۰۸ ادامه یافت (US Department of Defense, 2009: 16). مقایسه سه ماهه پایانی ۲۰۰۸ با همان دوره در سال قبل، نشان‌دهنده کاهش میزان کشته‌شدگان عراقی به میزان ۶۳٪ است. (Ibid: 21).

شاخص کشته‌های نظامیان آمریکایی و عراقی نیز نشان‌دهنده روند کاهش خشونت‌ها در عراق است. اوج حملات به نیروهای نظامی عراقی و آمریکایی به اکتبر ۲۰۰۶ و ژوئن ۲۰۰۷ برمی‌گردد که در آنها تعداد کشته‌ها به بیش از ۳۲۰ نفر در روز می‌رسید. از جولای ۲۰۰۷ آمار کشته‌ها روند نزولی را آغاز کرد و در نوامبر ۲۰۰۷ به زیر ۱۰۰ نفر در روز رسید. هرچند در ماه مارس بار دیگر این تعداد به بالای ۱۰۰ نفر در روز افزایش یافت، اما روند کاهش دوباره ادامه یافت و در دو ماه پایانی ۲۰۰۸ به کمتر از ۵۰ نفر در روز رسید که نشان‌دهنده کاهش ۵۹ درصدی این حملات نسبت به مدت مشابه در سال ۲۰۰۷ است (Ibid: 20-21).

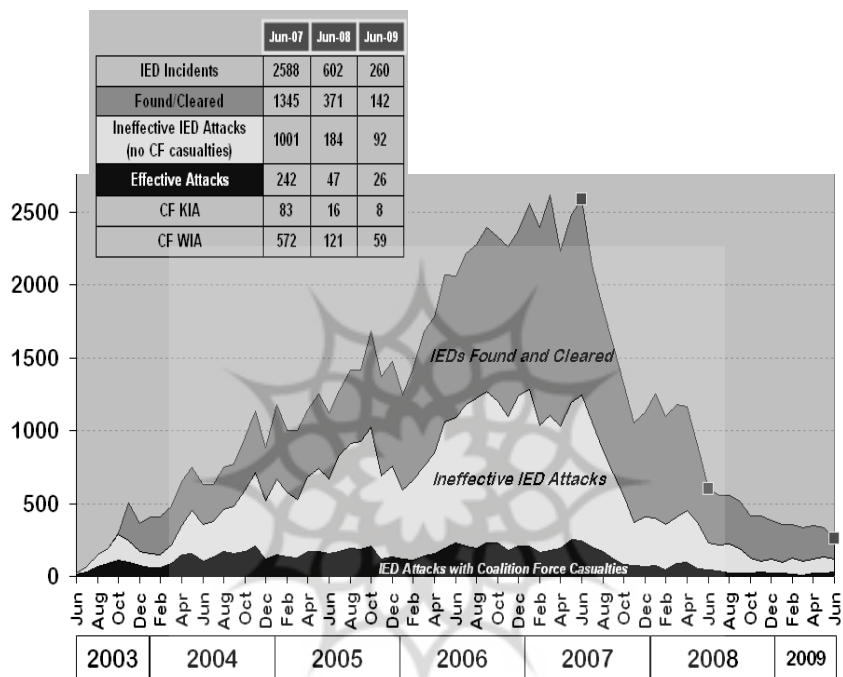
توان نیروهای شورشی نیز در عراق در حال افول است. در این مدت، بسیاری از رهبران آنها اعلام بی‌طرفی کرده‌اند و یا در حال مذاکره با دولت برای مشارکت در فرایندهای سیاسی عراق هستند و در برنامه خلع سلاح، عادی‌سازی و ادغام مجدد^۱ مشارکت می‌کنند. با گرایش و مشارکت گروه‌های سنی و شیعی در این برنامه، القاعده عراق بیش از پیش در میان مردم و گروه‌های عراقی منزوی شده است.

توان نیروهای امنیتی عراق در حال افزایش است. آنها در سه سال گذشته عملیات‌های زیادی را علیه نیروهای شورشی در عراق انجام داده‌اند. هرچند در این عملیات‌ها از نیروهای آمریکا کمک می‌گیرند، اما روز به روز وابستگی آنها به حمایت آتش و لجستیک خارجی‌ها کمتر می‌شود. آنها در زمینه فرماندهی و کنترل موفقیت‌های خوبی را به دست آورده‌اند. در پایان سال ۲۰۰۸، نیروهای امنیتی عراق مسئولیت عملیات در ۱۸ استان را برعهده گرفتند (Ibid: IV) و قرار است به تدریج این مسئولیت را در تمام استان‌ها از نیروهای خارجی بگیرند.

بررسی شاخص‌های گوناگون امنیت، نشان‌دهنده بهبود چشم‌گیر وضعیت امنیتی در عراق از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰ است. نگرانی مردم این کشور در مورد خشونت کمتر شده و آنها بیشتر در پی مسایل اقتصادی هستند. با وجود این، همانگونه که آخرین گزارش دولت بوش نتیجه‌گیری می‌کند، امنیت در عراق وضعیتی شکننده است، امکان تشدید خشونت‌ها همچنان محتمل و چالش‌های عراق بسیار زیاد است (US DoD, 2009: 28).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نمودار حوادث و حملات در عراق



Anthony H. Cordesman, 'Iraq After the Election: Meeting the Challenges of 2010', CSIS, April 6, 2010, p. 4.

در هر حال، به موازات بهبود اوضاع امنیتی در عراق و افزایش کارآمدی سازمان‌ها و نهادهای دولتی عراق در ارائه خدمات و انجام کارویژه‌های حکومتی، دولت عراق مسئولیت‌های بیشتری را از نیروهای متحدین دریافت و به سمت شکل‌گیری دولت ملی کامل پیش رفته است.

روابط عراق با آمریکا در سال ۲۰۰۸، تغییرات اساسی به خود دید. بر اساس مصوبات شورای امنیت سازمان ملل، مأموریت نیروهای متحدین در عراق در پایان سال ۲۰۰۸ پایان

گرفت. آنها برای تداوم حضور خود در عراق به دنبال ترتیبات جدید دوجانبه با دولت عراق بودند. مقامات دو کشور عراق و آمریکا بعد از گفتگوهای طولانی، متن موافقت‌نامه‌ای را تهیه کردند که به قرارداد امنیتی بین عراق و آمریکا معروف شد. این قرارداد چارچوب رسمی دو کشور برای تعیین مناسبات، موقعیت و شرایط روابط نظامی - امنیتی عراق و آمریکا در آینده است. در ادامه، محورهای اساسی قرار داد امنیتی مزبور به اختصار بررسی می‌شود.

ج. قرارداد امنیتی عراق و آمریکا: ترتیبات رسمی نظامی - امنیتی دو کشور

توافق‌نامه امنیتی عراق و آمریکا که به اختصار SOFA خوانده می‌شود، وضعیت نیروهای آمریکایی در عراق و برنامه عقب‌نشینی آنها از این کشور را مشخص می‌سازد. این قرارداد در ۳۰ ماده تهیه شده و در ۱۶ نوامبر ۲۰۰۸ به تأیید کابینه عراق و در ۲۷ نوامبر، به تصویب پارلمان این کشور رسید. شورای ریاست جمهوری عراق آن را در ۴ دسامبر همین سال تأیید کرد. این قرارداد پس از تأیید مقامات دولت عراق در ۱۴ دسامبر از سوی جورج بوش رئیس جمهور وقت آمریکا امضا شد (Stone, 12/15/2008). قرار بر این بود که توافق‌نامه امنیتی عراق و آمریکا در اواسط سال ۲۰۰۹ میلادی به رأی عمومی گذاشته شود، اما این امر تا کنون عملی نشده و تاریخ مراجعه به رأی عمومی از تاریخی به تاریخ دیگر به تعویق افتاده است و به نظر نمی‌رسد در کوتاه‌مدت چنین رفراندومی برگزار شود.

بر اساس این موافقت‌نامه، قرار است نیروهای نظامی آمریکا از ۳۰ ژوئن ۲۰۰۹ عقب‌نشینی از عراق را آغاز کنند و تا ۳۰ ژوئن ۲۰۱۰ از همه شهرها و روستاهای عراقی خارج شوند. نیروهایی که از شهرها و روستاها خارج می‌شوند باید در مکان‌های مورد توافق که در بیرون از شهرها و روستاها هستند، متمرکز گردند. این پایگاه‌ها توسط کمیته مشترک هماهنگی عملیات تعیین خواهند شد. نیروهای آمریکایی تا ۳۱ دسامبر ۲۰۱۱ به طور کامل از عراق بیرون خواهند رفت. البته، موضوع زمان عقب‌نشینی نیروها می‌تواند با مذاکره و توافق طرفین تغییر کند.

همچنین، بر اساس این قرارداد، اولویت محاکمه نیروهای نظامی ایالات متحده آمریکا و شهروندانی که جنایات جبران‌ناپذیری را مرتکب شوند، با دستگاه قضایی عراق است و این در حالی است که بر اساس ماده هشتم آن، جنایت باید در خارج از مأموریت و در خارج از

مکان‌های مورد توافق صورت گرفته باشد. یکی دیگر از بندهای مهم این قرارداد این است که ایالات متحده آمریکا حق استفاده از اراضی، حریم آبی و هوایی این کشور برای حمله به کشورهای همسایه را ندارد. در همین حال، مسؤولیت نظارت و کنترل حریم هوایی عراق، به محض اجرای این توافقنامه، به مقامات عراقی واگذار می‌شود.

در مورد این قرارداد امنیتی، چند نکته قابل طرح است. نخست، این قرارداد نشان می‌دهد دولت عراق دوباره به صورت دولت کامل و مسئول مورد قبول جامعه بین‌المللی و کشورهای مهاجم قرار گرفته و می‌تواند طرف قراردادهای بین‌المللی باشد و تعهدات و مسؤولیت‌هایی را بپذیرد و از حقوق دولت‌های ملی برخوردار باشد.

دوم، بر اساس این قرارداد، عراق و آمریکا ضرورتاً در حوزه‌های مختلف نظامی - امنیتی و سیاسی - اقتصادی، در تعامل نزدیک با یکدیگر هستند. آنها روابط بسیار نزدیکی با هم دارند و بر اساس الزامات بندهای مختلف قرارداد و اجرای آنها، ناگزیر به همکاری نزدیک با همدیگر می‌باشند. این تعامل و همکاری، به رغم خروج نیروهای آمریکایی از عراق، در آینده قابل پیش‌بینی ادامه خواهد یافت. در بهترین حالت، دست‌کم ۳۰ تا ۵۰ هزار نیروی نظامی - امنیتی آمریکا در عراق باقی می‌مانند و به آموزش و پشتیبانی نیروهای عراقی می‌پردازند و از اتباع و دیپلمات‌های آمریکایی در این کشور حمایت می‌کنند (Obama & Biden: Nondate). به نظر می‌رسد حتی با قبول عملی شدن عقب‌نشینی نیروهای آمریکایی از عراق تا پایان سال ۲۰۱۱، عراق دوره‌ای را آغاز کرده است که در آن، ایالات متحده بیش از همیشه نفوذ خواهد داشت و به سیاست‌های داخلی و خارجی آن در راستای اهداف و منافع خود جهت خواهد داد. زیرساخت نظامی و امنیتی این کشور با کمک و حمایت نیروهای آمریکایی بازسازی شده و ارتباط تنگاتنگی بین آنها به وجود آمده است.

سوم، سرمایه‌گذاری گسترده آمریکا در بخش‌های مختلف عراق و تداوم این روابط می‌تواند به نهادینه‌شدن مناسبات آنها در آینده منجر شود. تداوم ثبات و برقراری امنیت در عراق و بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم نیز می‌تواند به بهبود موقعیت آمریکا در عراق کمک کند و در صورت تداوم وضع فعلی و اجرایی‌شدن قرارداد امنیتی عراق - آمریکا، روابط نظامی - امنیتی آنها در تعامل نزدیک با یکدیگر ادامه خواهد یافت. در چنین وضعیتی، ممکن

است عراق در مواردی به صورت بازوی نظامی - امنیتی آمریکا در منطقه عمل کند. البته این وضعیت، بیش از روابط رسمی آمریکا و عراق، به تحولات داخلی عراق و تحولات منطقه‌ای و مناسبات کشورهای منطقه با آمریکا و عراق بستگی دارد. در آینده، عراق و آمریکا سیاست منطقه‌ای همسو و هماهنگ‌تری در قبال کشورهای دیگر منطقه به خصوص جمهوری اسلامی ایران پی‌گیری خواهند کرد. این همسویی با افزایش نفوذ ملی‌گرایان و لائیک‌ها در حکومت عراق تشدید می‌شود.

چهارم، قرارداد امنیتی عراق - آمریکا با احترام به تمامیت سرزمینی و حکومت عراق تنظیم شده، اما مفاد آن به گونه‌ای است که نفوذ غیرمستقیم آمریکا بر مراکز مهم سیاست‌گذاری و اعمال فشار بر آنها را تضمین می‌کند. در صورت وجود تعارض میان دولت عراق و آمریکا، واشنگتن اهرام‌های لازم را برای اعمال فشار بر حکومت مرکزی عراق در اختیار دارد.

در نهایت، به نظر می‌رسد دولت اوباما می‌کوشد با آموزش نیروهای عراقی، هزینه‌ها و بار مسئولیت برقراری امنیت را در این کشور به خود عراقی‌ها واگذار نماید. اگر انتقال این مسئولیت به عراقی‌ها به روند کنونی افزایش امنیت و ثبات در عراق لطمه نزند و این فرایند همچنان تداوم داشته باشد، هزینه‌های آمریکا در عراق کاهش یافته و عوامل منفی تأثیرگذار بر چهره آمریکا در منطقه و جهان از بابت مسایل عراق کمتر می‌شود (See Maleki, Nov. 26, 2008).^۱ دولت جدید آمریکا درصدد است با این کار بحران را در عراق کنترل کرده و به بازسازی چهره آمریکا در جهان اقدام کند.

سیاست‌ها، راهبردها و اقدامات نظامی - امنیتی دولت اوباما در عراق به گونه‌ای خواهد بود که چهره منفی از این کشور در جهان ترسیم نشود. آنها بیش از استفاده از قدرت نظامی بر قدرت نرم تأکید دارند. این دولت نمی‌خواهد در عراق و در برخورد با نیروهای مخالف به صورت مستقیم عمل کند. اقدامات آنها غیر مستقیم و به دست عراقی‌ها خواهد بود. آنها بر

۱. در بندهای مختلف این قرارداد، کمیته مشترکی وجود دارد که به اختلافات احتمالی رسیدگی می‌کند. آنها در حوزه‌های مختلف در تعامل نزدیک با یکدیگرند. نگاهی به مفاد و موضوعات قرارداد امنیتی عراق - آمریکا نشان می‌دهد این دو کشور چنان به هم پیوند خورده‌اند که اگر کسی هم بخواهد نمی‌تواند آنها را از هم جدا سازد (See Nima, November 26, 2008).

نفوذ در بخش‌های مختلف در عراق تأکید می‌کنند، بدون اینکه بخواهند عوارض و پیامدهای منفی آن سیاست‌ها و اقدامات را بر عهده بگیرند. این نوع سیاست و رفتار موجب کاهش هزینه‌ها و تلفات نظامی آمریکا در عراق شده و به مخالفت‌های داخلی در آمریکا پایان می‌دهد. در عمل، هنوز قرارداد امنیتی عراق و آمریکا نهایی نشده است. برای نهایی شدن این قرارداد لازم است علاوه بر تصویب دولت و مجلس عراق، به آرای عمومی نیز گذاشته شود. در عین حال، هر دو کشور اجرای مفاد آن را آغاز کرده‌اند. آمریکا نیروهای خود را از شهرها و آبادی‌های عراق فراخوانده و نیروهای دولت عراق کنترل آنها را در دست گرفته‌اند. تعداد نیروهای آمریکایی از ۱۵۰ هزار نفر به حدود ۸۰ هزار نفر کاهش یافته و در صورت تداوم وضع کنونی، نیروهای آمریکا تا پایان سال ۲۰۱۱ از عراق خارج خواهند شد (White House, June 29, 2010).

چشم‌انداز مثبتی در عراق برای نهایی شدن این قرارداد وجود دارد. دولت نوری المالکی طرف مذاکره و تهیه‌کننده متن این قرارداد است که آن را قبل از پارلمان به تصویب رساند و با رایزنی‌های فراوان، در تصویب آن از سوی پالمان مؤثر بود. نماینده این دولت با مراجع حوزه علمیه نجف بخصوص آیت‌الله العظمی سیستانی دیدار و آنان را به عدم مخالفت با این قرارداد متقاعد ساخت. موفقیت حزب مالکی در انتخابات استانی و پارلمانی عراق در سال ۲۰۰۹ نشان داد که مردم عراق نیز از عملکرد دولت او راضی هستند (International Crisis Group, 2009). این موفقیت کم‌وبیش در انتخابات سال ۲۰۱۰ تکرار شد و «ائتلاف دولت قانون» به رهبری مالکی، جایگاه مناسبی را در میان ائتلاف‌های انتخاباتی به دست آورد (Cordesman, April 6, 2010: 2). نتایج این دو انتخابات موقعیت مالکی را در حد یکی از زمامداران مطرح عراقی، تثبیت کرده است. با توجه به اینکه یکی از مهمترین و حساس‌ترین اقدامات این دولت، تهیه و تصویب قرارداد امنیتی عراق و آمریکاست، به نظر می‌رسد در صورتی که رویداد غیرقابل پیش‌بینی در عراق به وقوع نپیوندد، این قرارداد عملاً نهایی شده و چارچوبی برای تنظیم مناسبات عراق و آمریکا در آینده خواهد بود.

د. سیاست‌های اوباما و آینده مناسبات نظامی - امنیتی عراق و آمریکا

مناسبات نظامی - امنیتی عراق و آمریکا، جدا از تحولات عراق، متأثر از نگرش، رویکرد و سیاست زمامداران آمریکاست که تصمیم‌گیرنده نهایی در کاخ سفید هستند. نگاهی به سیاست و راهبرد دولت اوباما که دست کم تا پایان سال ۲۰۱۲ در مصدر امور قرار دارد، می‌تواند در شناخت بهتر روابط و مناسبات آمریکا با عراق راهگشا باشد.

پیروزی اوباما در انتخابات ۲۰۰۸ آمریکا که با شعار تغییر وارد مبارزات انتخاباتی شده بود، آغاز مرحله جدیدی در سیاست خارجی این کشور در برابر جهان و عراق است. هرچند در نگاه کلی، سیاست دولت اوباما نیز در قالب نظام سیاسی آمریکاست و در پی تامین اهداف و منافع این کشور می‌باشد و به شدت تحت تأثیر ساختارها و روندهای گذشته است. از این نظر، سیاست اوباما نیز نوعی تداوم سیاست دولت بوش ارزیابی می‌شود؛ اما در عمل تفاوت‌های قابل توجهی بین سیاست‌های آمریکا در قبال عراق وجود دارد که از همان دوران مبارزات انتخاباتی آمریکا به چشم می‌آید و در این مدت نیز تاحدودی بروز یافته است. نگاهی به تفاوت‌ها و تشابه‌ها و تداوم‌ها و تغییرات سیاست آمریکا در دو دولت بوش و اوباما می‌تواند در روشن‌شدن چشم‌انداز مناسبات نظامی - امنیتی دو کشور در آینده مفید باشد.

روابط نظامی امنیتی عراق و آمریکا در کوتاه‌مدت و میان‌مدت به شدت تحت تأثیر میراث دولت بوش در حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ و برداشت رهبران جدید این کشور از اوضاع عراق و هزینه‌های آمریکا در جنگ با تروریسم قرار دارد.

جنگ علیه تروریسم و به طور مشخص دو جنگ عراق و افغانستان، میراث نخست دولت بوش و چهره منفور آمریکا در جهان، میراث دوم بوش در خارج است. دولت اوباما با هدف تغییر در سیاست آمریکا روی کار آمد. دموکرات‌ها به شدت منتقد سیاست خارجی بوش در این دو زمینه بودند. هر دوی این چالش‌ها همچنان برای امنیت و منافع ملی آمریکا مشکل‌ساز هستند و هر دولتی که در کاخ سفید باشد، باید به دنبال راه حلی برای مقابله با آنها باشد. نگاهی به سیاست بوش در این دو مورد و تفاوت آنها با سیاست‌های اوباما می‌تواند راهی برای بررسی چشم‌انداز مناسبات نظامی - امنیتی آمریکا و عراق در آینده باشد.

سیاست دولت بوش در جنگ علیه تروریسم، در قالب رهنامه بوش مطرح شد. بر اساس این رهنامه، گروه‌های تروریستی، دولت‌های سرکش و گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، سه تهدید اساسی امنیت ملی آمریکا در جهان هستند. از نظر دولت بوش، راهبرد بازدارندگی در قبال گروه‌های تروریستی نمی‌تواند کارساز باشد. این گروه‌ها برخلاف دولت‌های ملی فاقد سرزمین و جمعیت و مسئولیت در برابر تأمین امنیت آنها هستند و از این‌رو، تهدید به اقدام تلافی‌جویانه که اساس سیاست بازدارندگی است و در دوره جنگ سرد سیاست این کشور در برابر قدرت‌های متخاصم بود، نمی‌تواند سیاست کارآمدی باشد (Record, July 8, 2004). بنابراین، آمریکا در برابر تهدید گروه‌های تروریستی نمی‌تواند منتظر اقدام آنها باشد. خطر تهدیدات آنها خیلی وحشتناک‌تر از آن است که آمریکا اجازه دهد حمله نخست از سوی آنها عملی شود. بنابراین، دولت بوش قبل از اینکه آنها به چنان مرحله‌ای برسند که علیه آمریکا دست به عملیات تروریستی بزنند، باید اقدام کند و با جنگ پیشگیرانه ضربه قاطع و خردکننده به توان آنها وارد سازد (یزدان‌فام، ۱۳۸۷: ۲۱۲).

حمله دولت بوش به عراق و افغانستان در قالب رهنامه حمله پیشگیرانه عملی شد که نه مبنای حقوقی قابل قبول بین‌المللی دارد (See Shiner & Williams, 2008) و نه در عمل چندان موفق از آب درآمد. اقدام یک‌جانبه‌گرایانه دولت بوش در حمله به عراق با انتقادات گسترده جهانی روبرو شد و این انتقادات با فرسایشی شدن جنگ و افزایش تلفات تشدید شده و با آشکار شدن برخی جریان‌ها و رویدادها به اوج خود رسید. ماجرای شکنجه عراقی‌ها در زندان ابوغریب، و متهمان به عملیات تروریستی در زندان گوانتانامو و مهمتر از همه، مشخص شدن نادرستی اتهامات دولت بوش به رژیم صدام در مورد تلاش برای دسترسی به سلاح‌های کشتار جمعی که مبنای حمله به این کشور بود، موجب رسوایی دولت بوش در جهان و بدنامی بیش از پیش آمریکا در نزد افکار عمومی جهان و مردم آمریکا شد (Pew, 2006/23/05).

متحدین اروپایی ایالات متحده، مردم این کشور، متخصصان و مراکز فکری و معرفتی در آمریکا^۱ مخالفت خود را به طرق گوناگون با ادامه سیاست دولت بوش در عراق اعلام کردند

1 . expert cognoscenti think

(Drezner, 2008: 12&20). آنها بر این باورند که دولت بوش در شناخت فضای جدید، تهدید تروریسم و نحوه شکل‌گیری و قدرت‌یابی آن به خطا رفته و در نتیجه، راهبرد نظامی آن به جای مقابله با تروریسم، به تقویت آن منجر شده است. از دیدگاه این گروه، در عمل، رویکرد و برخورد نظامی آمریکا با تروریسم نه تنها به نابودی آنها در جهان منجر نشده، بلکه عراق و افغانستان را به بهشت تروریست‌ها تبدیل کرد است. این سیاست تندروها را در جهان اسلام تقویت نموده و مهر تائیدی بر ادعاهای آنها در نزد ملل اسلامی زده است (Mazzetti, Sep 24, 2006).

در جهان اسلام، تروریسم در نفرت از آمریکا ریشه دارد. تندروها با ایجاد نفرت از آمریکا به عضوگیری در میان جوانان مسلمان دست زده و در میان مسلمانان به جمع‌آوری کمک‌های مالی می‌پردازند. حمله آمریکا به عراق و افغانستان نه تنها این نفرت را کاهش نداد، بلکه به شدت به آن دامن زد و موجب شد دولت بوش در عرصه قدرت نرم نیز بازی را به رقیب خود واگذار کند (Munslow & O'Dempsey, 2009: 4).

در سال ۲۰۰۶، نتایج یک نظرسنجی از مردم آمریکا نشان داد که ۸۳٪ از آمریکائیان نگران سیاست و عملکرد آمریکا در امور جهانی هستند. اغلب مردم این کشور نگران موقعیت آمریکا در جهان بودند. به صورت صریح، عراق عامل اصلی این نگرانی بود. طبق نظرسنجی شبکه CBS در نوامبر ۲۰۰۶، سه چهارم مردم آمریکا نحوه مدیریت امور عراق از سوی رئیس‌جمهور را قبول نداشتند. تنها ۴٪ از پرسش‌شوندگان از سیاست آمریکا در عراق حمایت می‌کردند. در سال ۲۰۰۷، جریان بزرگی از مردم آمریکا سیاست آمریکا در عراق و رهبری آمریکا در جنگ جهانی علیه تروریسم را رد کردند (Drezner, 2008: 12).

نگرش مردم آمریکا به عملکرد دولت بوش به حدی منفی بود که جمهوری خواهان به شدت نگران آن شدند که این موضوع به عاملی تأثیرگذار بر انتخابات ۲۰۰۸ تبدیل شود و موجب شکست نامزد آنها در انتخابات گردد. سناتور مک‌کین نامزد این حزب تلاش کرد دیدگاه متفاوتی از دولت بوش در مورد عراق ارائه دهد، اما به رغم همه این تلاش‌ها، همراهی اولیه آن با سیاست بوش در عراق و عضویتش در این حزب، عنصری تأثیرگذار در نتیجه انتخابات این کشور بود (Jackson, 2008/07/21).

اوباما در مبارزات انتخاباتی بر عقب‌نشینی آمریکا از عراق تأکید داشت. او از ابتدای حمله آمریکا به عراق با آن مخالف بود و در سال ۲۰۰۲ اعلام کرد که حمله به عراق موجب درگیری، هزینه‌ها، و پیامدهای غیرقابل پیش‌بینی در برای آمریکا خواهد شد (Obama, 2008). اوباما حمله آمریکا به عراق را انحراف در سیاست مبارزه این کشور با تروریسم می‌داند که با بیرون‌آوردن نیروهای آمریکایی از عراق و تقویت مبارزه با تروریسم در افغانستان و پاکستان پایان می‌یابد. اوباما معتقد است میدان اصلی نبرد با تروریسم افغانستان است و آمریکا و متحدان آن باید بر این منطقه تأکید و تمرکز نمایند.

از نظر اوباما در مبارزه با تروریسم، عراق اولویت چندانی ندارد و نبرد نیروهای آمریکایی در این کشور به دلیل انحراف در وظایف، به درازا کشیده است. او پس از پیروزی در انتخابات با اعلام سیاست‌های دولت خود در عراق خطاب به مردم و دولت‌مردان عراقی تصریح کرد: «نیروهای آمریکایی نمی‌توانند تا ابد در خیابان‌های بغداد نگهداری بدهند و امنیت آن کشور را تأمین نمایند» (Raddat & Martinez, June 30, 2009).

ایراد دیگری که اوباما در طول مبارزات انتخاباتی به دولت بوش وارد می‌کرد، پیامدهای زیان‌بار سیاست یک‌جانبه بوش در جهان و ایجاد نفرت عمومی از این کشور در میان ملت‌های دیگر جهان بود. اوباما بر این عقیده است که رفتار نومحافظه‌کاران در سیاست خارجی، ضربه شدیدی بر اعتبار آمریکا در جهان وارد کرده است. آمریکا به شدت نیازمند بازسازی و بازیابی اعتماد دوباره خود در میان ملت‌های دیگر است (Randall, 2008/9: 11).

از نظر مخالفان دولت بوش که در انتخابات ۲۰۰۸ دیدگاه‌های خود را مطرح و آن را به تأیید مردم آمریکا رساندند، آمریکا در مبارزه با تروریسم باید به عامل محوری آن که بدنام بودن آمریکا در جهان و وجود نفرت گسترده از آن است، توجه کند. حمایت از حکومت‌های فاسد، استفاده گسترده از نیروی نظامی و رویکرد یک‌جانبه‌گرایانه در روابط با کشورهای دیگر، عوامل مهم گسترش نفرت از آمریکا در جهان شده‌اند. تشخیص آنها در مورد علت تروریسم با درک نومحافظه‌کاران متفاوت است. اوباما بر این باور است که راه اساسی جلوگیری از گسترش تروریسم در جهان، کاهش نفرت از آمریکاست که با تغییر سیاست‌های آمریکا در

برخورد با ملل دیگر، احترام به حقوق و ارزش‌های آنان و اتخاذ رویکرد چندجانبه در اعمال سیاست خارجی میسر است (Werz, January 25, 2009).

هدف اساسی دولت اوپاما در سیاست خارجی، احیای دوباره موقعیت آمریکا در جهان از طریق بازسازی چهره آن در نزد ملت‌های دیگر است. دولت اوپاما تلاش می‌کند آثار، علائم و نشانه‌های منفی دولت بوش را که به حیثیت این کشور در نزد ملل دیگر لطمه زده است، از سیاست و عملکرد آمریکا در جهان حذف کند. کنترل عملکرد سازمان‌های اطلاعاتی و نظامی آمریکا در برخورد با اعضای گروه‌های تروریستی و ارائه چهره‌ی انسانی از رفتار آمریکا با این افراد در آمریکا و کشورهای دیگر که در دوره بوش به رسوایی‌ها و اعتراضات زیادی در داخل و خارج آمریکا منجر شد، از اقدامات اساسی اوپاما در کاخ سفید است که از فردای بر عهده گرفتن ریاست جمهوری آن را شروع کرده است.^۱

منطق سیاست خارجی دولت اوپاما بیشتر بین‌المللی‌گرایی لیبرال است. بر اساس چنین منطقی، امنیت ملی آمریکا صرفاً موضوع نظامی نیست. قدرت نظامی کارآیی محدودی دارد و مقاومت‌آفرین است. قدرت آمریکا محدود و تا حدودی به عوامل محیطی وابسته است. امنیت کشورها با همکاری همدیگر تأمین و تقویت می‌شود. همکاری جهانی نیازمند وجود نهادهای بین‌المللی کارآمد و همکاری همه کشورها به خصوص کشورهای قدرتمند با آنهاست (کالاها، ۱۳۸۷: ۱۷۲). بر پایه چنین رویکردی، دولت اوپاما در سیاست خارجی به ابعاد غیرنظامی و جهانی امنیت بیش از پیش توجه می‌کند. قدرت نرم جایگاه بالاتری یافته و به صورت هوشمندانه، از قدرت سخت و نظامی آمریکا در موارد ضروری استفاده می‌شود. چندجانبه‌گرایی و جلب همکاری قدرت‌های بزرگ و کشورهای دیگر در برخورد با مسایل و مشکلات به وجه غالب سیاست خارجی آمریکا در جهان و در مورد مشکلات، آن در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه تبدیل شده است. دیپلماسی جایگاه بالاتری یافته و تلاش می‌شود از

۱. فرمان او در تعلیق اخذ اعتراف از اعضای القاعده در زندان گوانتانامو در فردای ورود به کاخ سفید، دستور تعطیلی زندان‌های سیا در خارج از آمریکا و افشای اسناد شکنجه مخالفان در دوره دولت بوش، از جمله اقداماتی است که دولت اوپاما تا کنون در این راستا انجام داده است.

نفوذ دیگر کشورها برای حل و فصل مشکلات استفاده شود. به طور خلاصه، تعامل^۱ اصل محوری و هدایت‌کننده در سیاست خارجی دولت اوباما است (Obama, April 24, 2007). این تعامل ممکن است با همه کشورهای منطقه باشد یا به تعامل با دیگران برای اعمال فشار علیه تعدادی از آنها محدود شود که مشخصاً در اقلیت خواهند بود.

ه. سیاست و عملکرد دولت اوباما در عراق

بر اساس رویکرد و اصول اساسی سیاست خارجی اوباما، آمریکا سیاست خارجی خود را در برابر عراق مورد بازبینی قرار داد. در عین حال، این امر به معنی تغییر اهداف اساسی آمریکا در عراق نیست. در رویکرد دولت اوباما به عراق، اهداف اساسی آن تغییر نکرده است. مقابله با خطر تروریسم و حفظ موقعیت آمریکا در منطقه حساس خاورمیانه و جهان، حفظ تداوم جریان صدور نفت از خلیج فارس به کشورهای صنعتی و حمایت از امنیت اسرائیل و متحدان منطقه‌ای آن، همچنان نقش تعیین‌کننده در سیاست خارجی آمریکا دارند. در عین حال، در سیاست جدید آمریکا در منطقه رویکرد، شیوه‌ها و اولویت آن از یک‌جانبه‌گرایی و قدرت نظامی به سوی بهره‌گیری از قدرت نرم و چندجانبه‌گرایی متحول شده تا نحوه تأمین اهداف آمریکا در عراق نه تنها به چهره آن در منطقه و جهان لطمه نزند و نفرت از آمریکا را تشدید نکند، بلکه به بازسازی چهره آن در جهان اسلام کمک نماید.

رویکرد دولت اوباما در جهان و به طور مشخص در عراق، رویکردی کمتر نظامی و بیشتر چندجانبه‌گرایانه و با تأکید بیشتر بر حقوق بشر و دموکراسی است. در مورد گسترش دموکراسی و حمایت از حقوق بشر در جهان، بین دولت بوش و دولت اوباما تفاوت زیادی وجود ندارد، مگر از منظری که آنها به این موضوع نگاه می‌کنند. هر دو حزب دموکرات و جمهوری‌خواه در آمریکا، دموکراسی و حقوق بشر را جزء ارزش‌های آمریکا می‌دانند و در سیاست خارجی آن را لحاظ می‌کنند؛ اما در نگرش آنها به این موضوع تفاوت‌هایی هست که موجب تفاوت در رفتارشان می‌شود. جمهوری‌خواهان از منظر واقع‌گرایی به حقوق بشر و دموکراسی می‌نگرند و گسترش آنها را برای تقویت امنیت ملی آمریکا از طریق صلح

دموکراتیک ضروری می‌دانند (Apodaca, 2006). در حالیکه دموکرات‌ها از جمله دولت اوباما، ضمن تأکید بر صلح دموکراتیک، به حفظ و گسترش دموکراسی در جهان از منظر بین‌المللی‌گرایی نگاه می‌کنند. از نظر دولت اوباما، تقویت امنیت مشترک با سرمایه‌گذاری بر شأن انسانی مشترک امکان‌پذیر است. در نگاه دولت جدید، گسترش دموکراسی در جهان از طریق سرمایه‌گذاری اساسی بر مبارزه با فقر و فراهم‌آوردن بستر لازم برای تولید ثروت بیشتر در جهان امکان‌پذیر است (Obama & Biden, Nondate).

این دیدگاه تفاوت قابل توجهی با دیدگاه دولت بوش دارد. در دولت بوش، مبارزه با تروریسم و گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، شیوه‌های سخت‌افزاری و بهره‌گیری از نیروهای نظامی، در اولویت سیاست خارجی آمریکا قرار داشت. استفاده از توان نظامی آمریکا و قدرت آن در این راه رویکرد غالب بود و کمتر با کشورهای دیگر مشورت می‌شد و یا به همکاری و هماهنگی آنها در این راه بهای اندکی قایل بودند.

در نگاه دولت اوباما، همکاری کشورهای اروپایی در منع گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، مبارزه با تروریسم و برقراری امنیت و آرامش در عراق و افغانستان نقش مؤثری دارند. آنها با همکاری هم می‌توانند از پس معضلات امنیتی جهان برآیند و ارزش‌های دموکراتیک را توسعه دهند. بنابراین، سیاست اوباما در افغانستان با جلب همکاری متحدین آمریکا پیش خواهد رفت و در عراق نیز در صورت بدتر شدن اوضاع، اقدامات چندجانبه محتمل‌تر است (Feaver, June 1, 2010). در عین حال، در صورت تداوم ثبات و برقراری امنیت نسبی، دولت آمریکا به دلیل هزینه‌هایی که تا کنون در عراق متحمل شده است، اجازه نخواهد داد اروپائیان در دستاوردهای آن شریک شوند و یا حاصل این سرمایه‌گذاری را مال خود کنند.

در عمل، دولت اوباما با ارائه طرحی، برنامه عقب‌نشینی نیروهای آمریکایی از عراق را اعلام کرد. بر اساس این طرح، تنها ۳۵ تا ۵۰ هزار نیروی آمریکایی در عراق باقی خواهد ماند. فرماندهان آمریکایی خواستار مدت زمان بیشتری برای عقب‌کشیدن نیروهای آمریکایی از عراق هستند، اما اوباما می‌گوید ما به تدریج تا ۳۱ دسامبر ۲۰۱۱ نیروهای خود را از عراق خارج خواهیم کرد. این زمان در توافق‌نامه امنیتی دو کشور آمده است. نیروهای باقی‌مانده آمریکا

نقش مشاوره، آموزش و تجهیز نیروهای عراقی را بر عهده خواهند داشت. آنها از عملیات نظامی عراق در داخل این کشور حمایت خواهند کرد و به مقابله با تروریسم پرداخته و از موقعیت دیپلماتیک آمریکا در این کشور پشتیبانی خواهند کرد (Baker, February 27, 2009).

دولت اوپاما برای حل مشکلات عراق به راه حل نظامی اعتقاد ندارد. اوپاما دولت عراق را مسئول برقراری امنیت در این کشور می‌داند که باید با گسترش مشارکت همه گروه‌ها و اقوام عراقی تشکیل شود و با حمایت آمریکا تقویت و به دولتی کارآمد تبدیل گردد. آمریکا با اعمال فشار بر دولت مالکی سعی دارد حل مشکلات عراق را به دولت آن کشور واگذار نماید و نیروهای آمریکایی را صرفاً به نیروهای آموزش‌دهنده و پشتیبانی‌کننده تبدیل کند (Obama- Biden, January 21, 2009).

تداوم ثبات و آرامش در عراق و کاهش میزان خشونت‌ها در عراق از سال ۲۰۰۷ تا کنون از یک طرف و تداوم بحران افغانستان از سوی دیگر، موجب خروج هرچه سریع‌تر نیروهای نظامی آمریکا از عراق خواهد شد. در همین حال، دولت اوپاما و کنگره آمریکا به صراحت اعلام کرده‌اند آمریکا نیازی به ایجاد پایگاه نظامی دائمی در عراق ندارد (FCNL, 12/09/2008). البته، این رویکرد به معنای ترک عراق از سوی آمریکا نیست. آمریکا نفوذ خود را در عراق در آینده میان‌مدت حفظ خواهد کرد و برنامه مراکز تصمیم‌گیری، حفظ موقعیت آمریکا در عراق در یک دوره زمانی بلندمدت است تا بتواند با استفاده از این موقعیت، امور منطقه را در راستای سیاست‌ها و اهداف و منافع آمریکا هدایت کند.

جهت‌گیری متفاوت دیگر اوپاما در عراق، نگاه منطقه‌ای به موضوع و حل این مشکل از طریق همکاری با کشورهای دیگر منطقه است. دولت اوپاما بر اساس یافته‌های گزارش بیکر - همیلتون که در تهیه آن وزیر دفاع آمریکا، رابرت گیتس، هم نقش داشت، در پی مذاکره دوجانبه و چندجانبه با همسایگان عراق از جمله ایران و سوریه و کشورهای عرب است تا همه آنها را به بهبود روابط با دولت عراق تشویق کند و متقاعد به جلوگیری از کمک به شکل‌گیری و تشدید خشونت در عراق سازد.

جنبه دیگر سیاست دولت اوپاما در عراق، بهبود روابط جهان عرب با دولت جدید عراق است. این بهبود ممکن است از طریق روی کار آوردن دولت سکولار و ملی‌گرا در عراق صورت گیرد و یا با گسترش ایران‌هراسی و ایجاد نوعی اجماع علیه ایران در منطقه از طریق

برجسته‌سازی قدرت و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در عراق، گروه‌های فلسطینی و لبنانی و یا طرح تهدیدات ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای ایران عملی شود. تا زمانی که مناسبات ایران و آمریکا به شکل فعلی است، آمریکا از عراق به عنوان نیروی مهارکننده ایران استفاده خواهد کرد. این سیاست در قالب مبارزه با تروریسم، مقابله با نیروهای تندرو اسلامی، جلوگیری از گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و یا به شکل ایجابی، ایجاد دولت‌های دمکراتیک و میانه‌رو در برابر دولت‌های تندرو اعمال خواهد شد.

رویکرد کمتر نظامی و چندجانبه اوباما در عراق، علاوه بر نگرش رهبران جدید آمریکا، متأثر از ضرورت عینی در قالب گسترش درگیری‌ها در افغانستان و پاکستان نیز می‌باشد. اوباما در دوره انتخابات ریاست جمهوری، بر گسترش نیروهای آمریکا در افغانستان تأکید داشت و در عمل نیز از زمان روی کار آمدن دولت جدید، بحران در دو کشور افغانستان و پاکستان تشدید شده است. اوباما در دوره زمامداری خود، توجه و توان نظامی آمریکا را به پاکستان و افغانستان معطوف ساخته و در عمل، برای اجرای وعده‌های انتخاباتی خود و جلوگیری از تشدید نارضایتی در آمریکا ناگزیر به بازگرداندن سربازان این کشور از عراق شده است.

با وجود این، مطمئناً خروج نیروهای آمریکایی از عراق بدون کسب اطمینان از برقراری آرامش، ثبات و امنیت در این کشور نخواهد بود. اوباما ناگزیر به حفظ دستاوردهای حمله پرهزینه دولت بوش در عراق است. به نوشته کریستن براوس در مقاله «جورج اوباما» در مجله فارین پالسی، «اوباما رئیس جمهور موفق خواهد بود، نه به این دلیل که سیاست خارجی بوش را به طور کامل تغییر خواهد داد، بلکه به این خاطر که سیاست خارجی بوش را به صورت گسترده‌ای ادامه خواهد داد» (Brose, 2009).

عنصر مهم دیگری که می‌تواند بر مناسبات نظامی - امنیتی عراق و آمریکا تأثیر بگذارد و روند خروج نیروهای آمریکایی از عراق را کند نماید یا به تداوم و تقویت پایگاه‌های نظامی آمریکا در این کشور کمک کند، مناسبات ایران و آمریکاست. اگر سیاست‌های بوش جایگاه عراق در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا را شکل داد و قرارداد امنیتی بین عراق و آمریکا مناسبات رسمی دو کشور را رقم می‌زند، به نظر می‌رسد وضعیت آمریکا در افغانستان و مناسبات ایران و آمریکا بیشترین تأثیر را بر مناسبات عراق با آمریکا در آینده خواهد گذاشت.

به موازات تثبیت وضعیت امنیتی و سیاسی در عراق و بهبود اوضاع نظامی آمریکا در افغانستان و پاکستان، توجه سیاست آمریکا در منطقه به سمت جمهوری اسلامی ایران معطوف خواهد شد. با توجه به روند تحولات عراق در سه سال گذشته و تشدید اختلافات میان ایران و آمریکا به نظر می‌رسد، عراق در آینده، در برابر ایران نقش کشور موازنه‌دهنده را ایفا خواهد کرد. روی کار آمدن نیروهای ملی‌گرا و سکولار در عراق به دوری عراق از ایران منجر می‌شود و در صورت بهبود وضعیت سیاسی و امنیتی و احیای روحیه ملی‌گرایی در میان عراقی‌ها، این فرایند تشدید می‌شود. عراق همواره خود را دروازه شرقی جهان عرب تصویر کرده است که می‌تواند مانع تهدیدات ایرانی‌ها و شیعیان علیه جهان عرب باشد. احیای این تصویر برای عراقی‌ها به خاطر قدرت‌گرفتن شیعیان در داخل این کشور سخت است، اما نباید جنبه قومی آن نادیده گرفته شود. به ویژه اگر این مؤلفه داخلی با حمایت منطقه‌ای و به ویژه حمایت آمریکا از آن همراه باشد.

بدتر شدن روابط ایران و آمریکا، این فرصت را برای عراق فراهم خواهد کرد که به شکل جدید به بازسازی نقش خود در برابر ایران اقدام کند. این بازسازی با حمایت اعراب و تعمیق مناسبات سیاسی - امنیتی عراق و آمریکا میسر می‌شود. اگر ایران و آمریکا نتوانند مناقشات خود را به شیوه مسالمت‌آمیز حل و فصل کنند و مناسبات آنها به مراحل حادثری برسد، فشار آمریکا بر عراق برای ایفای نقش قدرتمندتر در برابر ایران افزایش خواهد یافت. در همین حال، بهبود روابط دو کشور و به ویژه همکاری ایران و آمریکا در مبارزه با طالبان در افغانستان، می‌تواند نتیجه معکوس به بار آورده و به کاهش فضای نظامی‌گری در منطقه و در نتیجه، تغییر مناسبات آمریکا و عراق از حالت نظامی - امنیتی به سیاسی - اقتصادی منتهی شود.

نتیجه‌گیری

بررسی روند تحولات عراق، نگرش‌ها و رویکردهای دولت اوپاما و تحولات منطقه، نشان می‌دهد در کوتاه و میان‌مدت، نقطه ثقل تحولات نظامی در منطقه از عراق به سوی دو کشور افغانستان و پاکستان منتقل می‌شود. کاهش تنش‌ها در عراق به مقامات آمریکایی این فرصت را

می‌دهد که نیروهای خود را از این کشور خارج سازند و در مورد مناسبات نظامی خود با عراق تغییراتی را ایجاد نمایند.

طبق قرارداد امنیتی عراق و آمریکا، خروج نیروهای آمریکایی از عراق تا پایان سال ۲۰۱۱ تکمیل می‌شود. این خروج به تدریج صورت می‌گیرد. در این مدت، از مأموریت عملیاتی نیروهای آمریکایی کاسته شده و بر مأموریت آموزشی، پشتیبانی و حمایت از دیپلمات‌ها و اتباع آمریکایی در عراق تمرکز بیشتری می‌شود.

دولت اوپاما در عراق تلاش خواهد کرد برخورد مستقیم و نظامی آمریکا با نیروهای شورشی و به طور کلی، مردم عراق را کمتر کرده و هزینه‌های انسانی و نظامی آمریکا را کاهش دهد. در راهبرد جدید آمریکا در عراق، استفاده از قدرت نرم و نیروهای عراقی و دیپلماسی منطقه‌ای، جایگاه مهمی دارند. دولت اوپاما به تناسب افزایش امنیت و ثبات در عراق می‌کوشد در حوزه وظایف و عملکرد نیروهای نظامی آمریکا، از سطح عملیاتی به سطح پشتیبانی و در حوزه راه حل مسایل، از سطح ملی به سطح منطقه‌ای و در رویکرد، از یک‌جانبه‌گرایی به چندجانبه‌گرایی، و در ابعاد روابط و مناسبات بین بغداد - واشنگتن، از بعد نظامی به بعد سیاسی - اقتصادی گرایش بیشتری یابد.

چشم‌انداز مناسبات نظامی - امنیتی عراق و آمریکا، متأثر از روند تحولات در داخل عراق، نگرش و بینش دولت جدید در آمریکا و تحولات جدید در مناسبات منطقه‌ای به ویژه منازعه و درگیری در افغانستان و پاکستان و مناسبات آمریکا با جمهوری اسلامی ایران قابل طرح است.

در عراق، روند تحولات در سال پایانی بوش و سال اول دولت اوپاما نشان داد راهبرد جدید آمریکا در عراق مؤثر افتاده، خشونت‌ها تا حدودی کنترل شده و تنش‌ها در حال فروکش کردن هستند. تداوم این روند زمینه بیشتری برای خروج نیروهای آمریکایی از عراق فراهم می‌آورد. بر اساس توافقات صورت‌گرفته و سیاست اعلامی دولت آمریکا، خروج نیروهای نظامی آمریکا تا اوت ۲۰۱۰ عملی شده و تا پایان سال ۲۰۱۱، به پایان می‌رسد. در عین حال، خروج نیروهای نظامی آمریکا از عراق به معنای پایان حضور آمریکا در عراق نیست.

خروج آنها به معنای آغاز مرحله جدیدی در مناسبات نظامی و سیاسی دو کشور است که در آن، جنگ و خشونت کنترل شده و آمریکا به اندازه کافی ابزار لازم برای اعمال نفوذ در عراق را دارد. در دوره جدید، عراق به کشور متحد آمریکا تبدیل خواهد شد. این اتحاد متأثر از نیروهایی که در عراق روی کار می‌آیند و وضعیتی که بر مناسبات ایران و آمریکا حاکم است، شکل خواهد گرفت. به هر میزان که نیروهای ملی‌گرای، سکولار و یا سنی مذهب در عراق قدرت و نفوذ بیشتری در حکومت داشته باشند، روابط بغداد با آمریکا قوی‌تر و ضد ایرانی‌تر خواهد بود. در مقابل، هر قدر نیروی‌های شیعی و دیوان‌سالار در عراق قدرت و نفوذ بیشتری داشته باشند، مناسبات آنها با تهران بهتر و سیاست‌شان مستقل‌تر خواهد بود.

در صورت بدتر شدن روابط ایران و آمریکا، موقعیت عراق در منطقه به دلیل نفوذ آمریکا در این کشور و روابط نزدیک دولت‌مردان عراقی با جمهوری اسلامی ایران، بسیار حساس خواهد شد. در قرارداد امنیتی، تلاش عراقی‌ها و فشار ایران بر عدم استفاده از قلمرو عراق برای حمله به کشور ثالث از سوی آمریکا، ناظر بر چنین وضعیتی است. در صورت بدتر شدن مناسبات ایران و آمریکا، طیفی از سیاست استفاده از سرزمین عراق علیه ایران تا استفاده از قدرت عراق برای مهار نفوذ ایران در منطقه قابل طرح است.

با توجه به نگرش دولت اوباما و تلاش آن برای کاهش نفرت از آمریکا در جهان و استفاده از قدرت نرم و دیپلماسی، تداوم آرامش نسبی در عراق می‌تواند به کاهش حضور نیروهای نظامی آمریکا در عراق و عدم تأسیس پایگاه‌های نظامی دائمی در این کشور منجر شود. در عین حال، تشدید تنش‌ها در عراق و یا افزایش تنش در مناسبات ایران و آمریکا، روند موجود را کند نموده و جریان رقیب در آمریکا را که به دنبال ایجاد پایگاه‌های نظامی در عراق و استفاده بیشتر از قدرت نظامی در منطقه است، در موقعیت بهتری قرار می‌دهد.

بنابراین، دولت اوباما تلاش خواهد کرد با تداوم حمایت و پشتیبانی از نیروها و حکومت عراق، توان این کشور را در زمینه تأمین و حفظ ثبات افزایش داده و بستر مناسبی برای خروج آرام نیروهای آمریکا از عراق فراهم آورد. این سیاست زمانی اجرا می‌شود که آسیبی بر موقعیت و نفوذ این کشور در عراق و منطقه وارد نشود.

منابع

۱. کالاهان، پاتریک (۱۳۸۷)، *منطق سیاست خارجی آمریکا: نظریه‌های نقش جهانی آمریکا*، ترجمه داود غرایاق زندی، و دیگران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۷.
۲. یزدان‌فام، محمود (به اهتمام)، (۱۳۸۷)، *راهبرد امنیت ملی آمریکا*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
3. Apodaca, Clair (2006); **Understanding U.S. Human Rights Policy: a Paradoxical Legacy**, New York: Taylor & Francis Group.
4. Baker, James A. and Hamilton, Lee H. (2006); **The Iraq Study Group Report: The Way Forward - A New Approach**, Washington D. C.: The Iraq Study Group, 2006.
5. Baker, Peter (February 27, 2009); With Pledges to Troops and Iraqis, Obama Details Pullout, **the New York Times**.
6. Brose, Christian (January/February 2009); 'The Making of George W. Obama', **Foreign Policy**; Available at: http://www.foreignpolicy.com/story/cms.php?story_id=4588
7. Cordesman, Anthony (April 6, 2010); 'Real Results of Iraqi Election', **CSIS**; Available at: www.humansecuritygateway.com/.../CSIS_RealResultsIraqElection.pdf
8. Cordesman, Anthony H. (April 6, 2010); 'Iraq after the Election: Meeting the Challenges of 2010', **CSIS**.
9. **Davis, John (2006)**; *Presidential Policies and the Road to the Second Iraq War: From Forty One to Forty Three*, Ashgate Publishing.
10. Dodge, Toby (2003); **Inventing Iraq: The Failure of Nation Building and a History Denied**, New York: Columbia University Press.
11. Drezner, Daniel W. (2008); 'The Future of US Foreign Policy', **US Foreign Policy**, IPG. Available at: http://media.washingtonpost.com/wp-srv/politics/ssi/polls/postpoll_072307.html,
12. FCNL (12/09/2008); 'If the U.S. is ultimately leaving Iraq, why is the military expanding its bases there?'; Available at: <http://www.fcnl.org/iraq/bases.htm>
13. Feaver, Peter (June 1, 2010); 'Assessing a Benchmark in Obama's 'Yes, But' Strategy', **Foreign Policy**, Available at: http://shadow.foreignpolicy.com/posts/2010/06/01/assessing_a_benchmark_in_obama_s_yes_but_strategy
14. International Crisis Group (27 January 2009); 'Iraq Provincial Elections: the Stakes', **Middle East Report**, No. 82.
15. Jackson, David (2008/07/21) 'McCain: Policy on Iraq Hasn't Changed', **USA Today**.
16. Katzman, Kenneth (2005); 'Iraq: Elections and New Government', **CRS Report for Congress**. Available at: fpc.state.gov/documents/organization/50254.pdf

17. **Leffler Melvyn P. & Legro Jeffrey** (2008); *to Lead the World: American Strategy after the Bush Doctrine*, US: Oxford University Press.
18. Lukitz, Liora (2005); **Iraq: The Search for National Identity**, US: Taylor & Francis, 2ed.
19. Mazzetti, Mark (Sep. 24, 2006); *Spy Agencies Say Iraq War Worsens Terrorism Threat*, **The New York Times**, Available at: <http://www.nytimes.com/2006/09/24/world/middleeast/24terror.html>
20. Munslow, Barry & O'Dempsey, Tim (2009); 'Loosing Soft Power in Hard Places: Humanitarianism after the US Invasion of Iraq', **Progress in Development Studies**, Vol. 9, No. 1.
21. Nima (November 26, 2008), 'US-Iraq Security Agreement', Available at: positivity.wordpress.com/2008/11/26/us-iraq-security-agreement-full-text-of-the-official-english-version/
22. Obama & Biden (Nondate); 'Strengthening our Common Security by Investing in Our Common Humanity'; Available at: www.barackobama.com/pdf/issues/Fact_Sheet_Foreign_Policy_Democratization_and_Development_FINAL.pdf
23. Obama & Biden (Nondate); 'Strengthening our Common Security by Investing in Our Common Humanity'; Available at: www.barackobama.com/pdf/issues/Fact_Sheet_Foreign_Policy_Democratization_and_Development_FINAL.pdf
24. Obama, Barack (2008); 'Turning the Page in Iraq', Available at: www.barackobama.com
25. Obama, Barak (April 24, 2007), "Remarks of Senator Barack Obama to the Chicago Council on Global Affairs", Available at: <http://usforeignpolicy.about.com/od/2008presidentialrace>.
26. Obama-Biden (January 21, 2009); *Iraq Agenda*, Council on Foreign Relations, Available at: www.cfr.org/publication/18311/obamabiden_iraq_agenda_january_2009.html
27. **Pew Research Center** (2006.23.05); 'U.S. Image Up Slightly, But Still Negative'. Available at: <http://pewglobal.org/reports/display.php?ReportID=247>
28. Randall, Stephen J. (Fall and Winter 2008/9); 'the American Foreign Policy Transition: Barack Obama in Power', **Journal of Military and Strategic Studies**, Vol. 11.
29. Record, Jeffrey (July 8, 2004); "Nuclear Deterrence, Preventive War, and Counter-proliferation", **Policy Analysis**, No. 519. Available at: www.Cato.org.
30. Shiner, Phil & Williams, Andrew (2008); **the Iraq War and International Law**, Oxford: Hart Publishing.
31. Spencer, Michels (2006); 'Intelligence Report Finds War Increasing Terrorist Threat', September 25, 2006. Available at: http://www.pbs.org/newshour/bb/middle_east/july-dec06/intelligence_09-25.html
32. Stone, Andrea (12/15/2008); '**Bush signs security deal in Iraq**', **USA Today**; Available at: http://www.usatoday.com/news/world/iraq/2008-12-14-bush-iraq_N.htm
33. US Department of Defense (January 9, 2009); 'Measuring Stability and Security in Iraq'.
34. Washington Post, (2010/05/26); Available at: <http://www.washingtonpost.com/wp-dyn/content/article/2010/05/26/AR2010052605349.html>
35. Werz, Michael (January 25, 2009); 'Foreign Policy and War: Is Barack Obama an Obamacon?', **Heinrich Boll Stiftung**,. Available at: <http://www.gmfus.org/experts/expert.cfm?id=48>
36. White, Deborah (June 29, 2010); 'Iraq War Facts, Results & Statistics'; Available at: <http://usliberals.about.com/od/homelandsecurity/a/IraqNumbers.htm>
37. Raddatz, Martha & Martinez, Luis (June 30, 2009), *Iraq Troop Withdrawal: Obama Marks Milestone Amid Today's Violence*; available at: <http://abcnews.go.com/Politics/International/story?id=7961815&page=1>